

می‌شود که این اصطلاح از قرآن گرفته شده است: «وَأِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ» و حال آنکه بر شما محافظانی گمارده شده‌اند، کاتبانی بزرگوار، می‌دانند که شما چه می‌کنید» (انفطار، ۱۰-۱۲)؛ این آیه شریفه اشاره دارد به اینکه اعمال انسان غیر از طریق یادآوری خود صاحب عمل، از طریق دیگر نیز محفوظ است، و آن محفوظ بودن اعمال با نوشتن فرشتگان نویسنده اعمال است، که در طول زندگی هر انسانی موقوف بر او هستند، و انسانها بر معیار آن اعمال پاداش و کیفر می‌بینند، و این توصیف یعنی توصیف ملائکه به کرامت در قرآن کریم مکرر آمده، و ظاهر مراد این است که فرشتگان به حسب خلقت، موجوداتی مصون از گناه و معصیت، و حفظ‌طور بر عصمت هستند و مؤید این احتمال آیه ۲۶ و ۲۷ از سوره انبیاء است که می‌فرماید: «... بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْمِعُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ» بلکه آنان بندگانی گرامی هستند، در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند و به فرمان او کار می‌کنند؛

این آیه دلالت دارد بر اینکه ملائکه اراده نمی‌کنند مگر آنچه را که خدا اراده کرده باشد و انجام نمی‌دهند مگر آنچه را که او دستور داده باشد. ملائکه به افعال و نیات ما علم دارند و بر هر کس دو ملک مأمور ثبت و کتابت اعمال اویند. این که در آیه مذکور آمده است که «يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ» اشاره دارد به این حقیقت که فرشتگان در تشخیص اعمال نیک از بد انسانها و تمیز حسنه از سیئه آن دچار اشتباه نمی‌شوند. پس این آیه ملائکه را منزله از خطا می‌دارد. بنابراین ملائکه به افعال بشر با همه جزئیات و صفات آن احاطه دارند، و آن را همانطور که هست نوشته و حفظ می‌کنند. در این آیات عده این فرشتگان که مأمور نوشتن اعمال انسانند معین نشده، بلکه از این آیه که می‌فرماید: «اذ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَ عَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ» آن گاه که دو فرشته دریافت کننده از راست و چپ مراقب نشسته‌اند (ق، ۱۷) استفاده می‌شود که برای هر یک انسان دو نفر از آن فرشتگان موقوفند، یکی از راست و یکی از چپ مأمور نوشتن گناهان است.

در صدر اسلام، شیعیان حضرت علی (ع)، به امر کتابت اهمیت فراوان می‌دادند. به گفته ابن شهر آشوب، اولین کسی که در اسلام تصنیف نمود علی بن ابیطالب (ع) بود، پس از او سلمان فارسی، و پس از او ابوذر بودند. همچنین شیوطی روایت می‌کند که: علی و حسن بن علی عَلَيهِمَا السَّلَامُ از کسانی بوده‌اند که کتابت علم را میان صحابه مباح کرده و دست به کتابت زدند. برخی از معروفترین کاتبین اسلام و شیعه عبارتند از: ابورافع غلام رسول الله و پاسدار

نوشته‌اند. علامه حلی شرحی معروف بر کتاب حکمه العین نوشته است که به نام «ایضاح المقاصد» موسوم است. کاتبی قزوینی در سال ۶۷۵ ق درگذشت.

منابع: *روضات الجنات*، موسوی خوانساری؛ *قییة الاحیاب*، شیخ عباس قمی؛ *قاموس الاعلام*، خیرالدین زیرکلی؛ *ریحانة الادب*، مدرس تبریزی؛ *دایرة المعارف فارسی*، مصاحب؛ *الکئی و الاقاب*، شیخ عباس قمی؛ *کشف الظنون*، حاجی خلیفه. محمدحسن سعیدی

کاتبی، میرعلی (ز ۷۰۵ ق)، وی فرزند احمد بن علی بن حسین کاتبی از هنرمندان کاشیکار دهه اول قرن هشتم هجری است که در دوران پایان سلطنت ایلخانان مغول می‌زیسته است. از آثار هنری برجسته او، کتیبه نفیسه‌ای است به تاریخ ۷۰۵ ق که متعلق به امامزاده (یحیی) در شهر ورامین بوده است ولی اکنون در موزه (ارمیتاژ لنینگراد) در روسیه شوروی نگهداری می‌شود.

منبع: *کارنامه بزرگان*، ۹۴. رفیعی مهرآبادی

کاتبین، از ثلاثی مجرد کتب به معنی نوشتن و کاتب اسم فاعل آن به معنی نویسنده و کاتبین جمع و به معنی نویسندگان؛ آمده و در اصطلاح، عنوان گروهی از اصحاب و تابعین که توانایی نوشتن داشته و به آنها کاتب وحی نیز می‌گفتند، که در زمره نویسندگان وحی بوده‌اند و به طور خاص از آنان با عنوان «کاتبین وحی» یاد می‌شود. بیشتر وحی‌ها و همچنین نوشتنیهای دیگر که مورد نیاز حضرت پیامبر اکرم (ص) بود به دست حضرت علی بن ابی طالب (ع) و دیگر کاتبین یا کتاب وحی به نگارش درمی‌آمد و دیگر نویسندگان وحی عبارت بودند از ابی بن کعب، زید بن ثابت، عثمان بن عفان، خالد بن سعید، مغیره بن شعبه، حُصَین بن نمیر، علاء بن حُضْرَمی، شُرْحَبیل بن حَسَنه، حَنْظَلَه بن ربیع اُسَیدی، عبدالله بن سعد بن ابی سُرْح که در کتابت خیانت نمود و مورد لعن پیامبر (ص) واقع شد و پس از آن مرتد گشت. زید و عبدالله بن ارقم اغلب نامه‌های مربوط به سلاطین و ملوک را می‌نوشتند، و علاء بن عقیبه و عبدالله بن ارقم قباله‌ها را، و زبیر بن عَوَام و جُهَیم بن صَلْت نامه‌های مربوط به صدقات را، و حُدَیقه نامه‌های صدقات خرما را می‌نوشت.

همچنین کاتبین اشاره دارد به ملائکه‌ای که اعمال انسان را ثبت و حفظ می‌کنند و به طور خاص از آنان با عنوان کرام الکاتبین یاد

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

29 Haziran 2018

دایرة المعارف تشیح؛ جلد سیزدهم؛ تهران: مؤسسه انتشارات حکمت؛ ۱۳۹۰ ISAM DN. 257997

Vahiy katibi icin de...

A'ZAMĪ (Muhammad
Musjafa al-).

الاعظمي (محمد
مصطفى)

كتاب النبي، ... / تأليف: محمد مصطفى
الاعظمي. - بيروت: المكتب الاسلامي، 1994.

- I2Ip. ; 24cm.

[8° O²g.29I3

"Kuttāb al-Nabī...": -Acq.6489-75. - Br.

Mahomet.Secrétaires.
Biographies. Dictionnaire.

KATİB

- Cahil yep de

- Vahiy katibleri

953 ALI. m

E1- Mufassal- VIII, 308 v.d.

KATİB

- Resulattan Katipleri-

953 ALI. m

E1- Mufassal- VIII, 121 v.d.

88-962822

Ibn Hadīdah, Muhammad ibn 'Alī, 1311 or
12-1361 or 2.

(Miqbāh al-muqī' fī kuttāb al-Nabī
al-ummi wa-rusūlihi ilā mulūk al-arḍ
min 'Arabi wa-'Ajamī)

المصباح المضيء في كتاب النبي الأسمى
ورسله إلى ملوك الأرض من عربي وعجمي / لأبي
عبد الله محمد بن علي بن أحمد بن
حديدة الأنصاري. - الطبعة
الجديدة، بيروت، لبنان: دار النسخة
الجديدة، 1986.

2 v. in 1 ; 24 cm.

Title page partially vocalized.

Includes bibliographical references.

#E15.00

1. Muhammad, Prophet, d. 632-Political

career. 2. Muhammad, Prophet, d. 632

Friends and associates.

L&S-Islamic Hist.

ESİ
SEFARET
VAHİY
KATİBİ

21 OCAK 1992

210038

VAHİY KÂTİBİ

-
- 1 ELÇİN MEMMEDZADE, Vahiy katipliđi ve Hz. Peygamber'in vahiy katipleri, Ankara Üniversitesi, Yüksek Lisans, 1999

- الشبهة العاشرة ٧٢
- ادعاء أن ما كان يعترى النبي ﷺ أثناء تلقيه الوحي محض حالات مصطنعة من افتعاله ﷺ
- الشبهة الحادية عشرة ٧٦
- ادعاء أن بعض السور القرآنية لا معنى لها لأنها جاءت عقب تدفق خطابي من النبي ﷺ
- الشبهة الثانية عشرة ٨٢
- الطعن في أمانة النبي ﷺ في تبليغ الوحي
- الشبهة الثالثة عشرة ٩٠
- الزعم أن كتابة الوحي كانوا يتزبدون فيه وأنه ﷺ كان يقرأ أقوالهم
- الشبهة الرابعة عشرة ٩٤
- إنكار إلهية القرآن لتعارضه مع الكتاب المقدس
- الشبهة الخامسة عشرة ١٠٠
- إنكار ريبانية الوحي المحمدي لما فيه من نسخ
- الشبهة السادسة عشرة ١٠٨
- الزعم أن محمداً ﷺ كان داعياً اشتراكياً لا رجل دين
- الشبهة السابعة عشرة ١١٩
- الزعم أن النبي ﷺ لم يكن حريصاً على هداية قومه
- الشبهة الثامنة عشرة ١٢٤
- ادعاء أن رغبة العرب في العودة للدين إبراهيم ﷺ هي سر نجاح الدعوة المحمدية
- الشبهة التاسعة عشرة ١٢٨
- ادعاء أن الخصائص الشخصية للنبي ﷺ وراء نجاح دعوته
- الشبهة العشرون ١٣٣
- الزعم أن سبب إيمان أهل المدينة بدعوة النبي ﷺ غيرتهم من أهل مكة

موسوعة

Uslubü'l-Kur'an (200138)

بيان الإسلام

Davet (040177)

Vahiy Katibi (210038)

الرد على الافتراءات والشبهات

Nesih (140356)

القسم الثاني: الرسول

06 Temmuz 2014

MADDE YAYIMLANDIKTAN
ONRA GELEN DOKÜMAN

المجلد الثاني

ج ٤

İSAM OL
204803

شبهات حول

دعوة النبي ﷺ وتبليغه الوحي

2011 Kahire

صَبْحُ الْأَعْيُنِ

فِي صِنَاعَةِ الْإِنْشَاءِ

VAHIY KATIBI

تَأَلَّفَ

(126)

أحمد بن علي القلقشندي

المتوفى ٨٢١ هجرية - ١٤١٨ ميلادية

Türkiye Elyan Kurumları

شَرَحَهُ وَعَلَّقَ عَلَيْهِ وَقَابَلَ نَصُوصًا

محمد حسين شمس الدين

0414-1
292.7
KAL.S

الجزء الأول

- خُطِبَتْ وَقُوِّبَتْ عَلَى طَبْعَةِ دَارِ الْكِتَابِ الْمَصْرِيَّةِ
وَعَلَى الْمَصَادِرِ الْأَسَاسِيَّةِ لِنُصُوصِ الْكِتَابِ .
- مُدْيَلَةٌ بِاسْتِدْرَاقَاتٍ وَتَضْوِيَّاتٍ وَهَوَامِشٍ تَوْضِيحِيَّةٍ .
- مُسْتَفِيدَةٌ مِنَ الدَّرَاسَاتِ وَالْأَبْحَاثِ الَّتِي كُتِبَتْ حَوْلَ
هَذَا السِّفَرِ النَّفِيسِ مِنْ مَكْتَبَتِنَا الْعَرَبِيَّةِ .

دار الكتب العلمية

بيروت - لبنان

الجزء الأول

١٢٦

صح ذلك فتكون هذه الدواوين أيضاً قد وُضعت في زمنه عليه السلام، إلا أنها ليست في الشهرة وتواتر الكتابة في زمانه عليه السلام، كما تقدم من متعلقات كتابة الإنشاء.

وقد رأيت في سيرة لبعض المتأخرين أنه كان للنبي عليه السلام ثيف وثلاثون كاتباً: أبو بكر الصديق، وعمر بن الخطاب، وعثمان بن عفان، وعلي بن أبي طالب، وعامر بن فُهيرة، وخالد بن سعيد بن العاص بن أمية، وأبان أخوه، وسعيد أخوهما، وعبد الله بن الأرقم الزُهري، وحنظلة بن الربيع الأسدي، وأبي بن كعب، وثابت بن قيس بن شماس، وزيد بن ثابت، وشَرْحِبِيل بن حَسَنَة، ومعاوية بن أبي سفيان، والمُغيرة بن شعبة، وعبدُ الله بن زيد، وجهيم بن الصلت والزبير بن العوام، وخالد بن الوليد، والعلاء بن الحضرمي، وعمرو بن العاص، وعبدُ الله بن رَواحة، ومحمد بن مسلمة، وعبدُ الله بن عبد الله بن أبي، ومُعَيْب بن أبي فاطمة، وطلحة بن زيد بن أبي سفيان، والأرقم ابن الأرقم الزُهري، والعلاء بن عتبة، وأبو أيوب الأنصاري، وبريدة بن الخصيب، والحصين بن نمير، وأبو سلمة المخزومي، وحويطب بن عبد العزى، وأبو سفيان بن حرب، وحاطب بن عمرو، وعبدُ الله بن سعد بن أبي سرح، وكان الزمهم له في الكتابة معاوية بن أبي سفيان، وزيد بن ثابت.

وكتب لأبي بكر عثمان بن عفان، وزيد بن ثابت، وعثمان هو الذي كتب عهد عمر بن الخطاب رضي الله عنه بالخلافة عن أبي بكر رضوان الله عليه كما سيأتي في موضعه إن شاء الله تعالى.

وكتب لعمر رضي الله عنه زيد بن ثابت، وعبدُ الله بن خَلَف.

وكتب لعثمان رضي الله عنه مروان بن الحكم.

وكتب لعلي بن عبد الله بن أبي رافع مولى رسول الله عليه السلام، وسعيد بن نجران الهمداني.

وكتب للحسن بن علي رضي الله عنهما عبدُ الله بن أبي رافع كاتب

أبيه.

کتاب الوحي



الدكتور أحمد عبد الرحمن عيسى

21 MAYIS 1971

Valiny Katihi, 61-88

حقوق الطبع محفوظة

الطبعة الأولى

١٤٠٠ هـ - ١٩٨٠ م

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt No. :	5728
Tasnif No. :	297.2 İS.A.K.

دار الوحي
للنشر والتوزيع

المملكة العربية السعودية - الرياض - شارع الملك فيصل
ص. ب. : ٢٨٥٦ هاتف : ٤٠٢٨٠٨٤ - برقية : نشر دار

کتاب الوحي

قررنا في الفصول السابقة أن كل ما صدر عن النبي - صلوات الله عليه - إنما هو وحي يوحى إليه من عند الله بطريق التنزيل ، أو من الله الذي سوغ له الاجتهاد بوحيه ، وأنه أوتي القرآن من الله وحياً ، وأوتي مثله من البيان وحياً ، وأن وجوب العمل بالقرآن ، يماثله وجوب العمل بكل ما صدر عن النبي (ﷺ) .

وقد سلك رسول الله (ﷺ) في تبليغ هذا الدين ونشره والدعوة إليه طرقاً متنوعة منها الكتابة والتحرير . وهذا هو موضوعنا الذي نتحراه .

لم تكن السنوات العشر الأولى التي قضاها بمكة داعياً إلى الله ، في حاجة دافعة إلى استخدام الكتابة إلا في تدوين ما ينزل عليه من آي الذكر الحكيم وسوره ، وإلى جانب هذا الغرض الشريف عرضت مناسبات قليلة تحتاج إلى الكتابة ، مثل مكاتبة للنجاشي في شأن مهاجري الحبشة من

كُتَابُ الْوَحْيِ

(الجلد) والرقاع (من الورق والكاغد) ثم يوضع المكتوب في بيت رسول ﷺ، ولم ينقض العَهْدُ النبوي إلا والقرآن مجموع على هذا النمط^(٢).

وَكُتِبَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ عِدَدٌ مِنَ الْكُتَابِ وَصَلَ بِهِمْ بَعْضُ الْمُؤَرِّخِينَ إِلَى سِتَّةٍ وَعَشْرِينَ كَاتِبًا، وَوَصَلَ بِهِمُ الْبَعْضُ الْآخَرَ إِلَى اثْنَيْنِ وَأَرْبَعِينَ كَاتِبًا مِنْهُمْ فِي مَكَّةَ:

«عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَعَثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ، وَأَبُو بَكْرٍ الصِّدِّيقَ، وَعَمْرُ بْنُ الْخَطَّابِ، وَخَالِدُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ الْعَاصِ، وَعَامِرُ بْنُ فَهْيِرَةَ، وَالْأَرْقَمُ بْنُ أَبِي الْأَرْقَمِ، وَأَبُو سَلْمَةَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْأَسَدِ الْمُخَزَمِيِّ، وَجَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَحَاطِبُ بْنُ عَمْرٍو، وَالزُّبَيْرُ بْنُ الْعَوَّامِ، وَطَلْحَةُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ، وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي بَكْرٍ.» وَأَضْيَفَ إِلَيْهِمْ فِي الْمَدِينَةِ:

«أَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ، وَخَالِدُ بْنُ زَيْدٍ، وَأَبِيُّ ابْنِ كَعْبٍ، وَزَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ، وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَوَاحَةَ، وَمُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ، وَمَعِيْقَبُ بْنُ أَبِي فَاطِمَةَ الدَّوْسِيِّ، وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بَنٍ سَلُولٍ، وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ زَيْدٍ، وَمُحَمَّدُ بْنُ مَسْلَمَةَ، وَبُرَيْدَةُ بْنُ الْحَصِيبِ، وَثَابِتُ بْنُ قَيْسِ بْنِ شِمَاسٍ، وَحَذِيفَةُ بْنُ الْيَمَانِ، وَحَنْظَلَةُ بْنُ الرَّبِيعِ، وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَعْدِ بْنِ أَبِي سَرْحٍ.»

وزاد بعد الحديبية:

«أَبُو سَفْيَانَ صَخْرُ بْنُ حَرْبٍ، وَزَيْدُ بْنُ أَبِي سَفْيَانَ، وَمُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي سَفْيَانَ، وَخَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ، وَجُهْمُ بْنُ سَعْدٍ، وَجُهْمُ بْنُ الصَّلْتِ بْنِ

كُتَابٍ: جَمَعَ كَاتِبٌ وَالْكَاتِبُ عِنْدَ الْعَرَبِ الْعَالَمِ، وَمِنْهُ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتَبُونَ﴾^(١). (الطور ٤١).
وَالْوَحْيُ فِي اللُّغَةِ: إِعْلَامُ الْغَيْرِ بِشَيْءٍ فِي خَفَاءِ.

وَاصْطِلَاحًا: إِعْلَامُ اللَّهِ تَعَالَى لِنَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ، وَهُوَ مِنْ خِصَائِصِ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ، وَيَكُونُ مَبَاشِرَةً كَمَا فِي تَكْلِيمِ اللَّهِ مُوسَى عَلَى الْجَبَلِ، أَوْ بِوَسْطَةِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ التَّعَالِيمَ الْإِلَهِيَّةَ إِلَى مَنْ اصْطَفَاهُمْ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ وَهُمْ الرُّسُلُ، وَقَدْ جَاءَ ذِكْرُ الْوَحْيِ فِي الْإِسْلَامِ، وَيَعْتَبَرُ الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ هُوَ الْوَحْيُ الْمُنَزَّلُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ بِاللَّفْظِ الْمُنْقُولِ عَنْهُ بِالتَّوَاتُرِ حَفْظًا وَكِتَابَةً، وَيَعْتَبَرُ إِعْجَازُ الْقُرْآنِ اثْبَاتًا لِنُبُوَّتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ^(٢).

وقد اتخذ الرسول ﷺ كُتَابًا لِلْوَحْيِ، مِنْهُمْ مَنْ كَانَ يَكْتُبُ فِي بَعْضِ الْأَحْيَانِ وَمِنْهُمْ مَنْ كَانَ مُنْقَطِعًا لِلْكِتَابَةِ وَمُتَخَصِّصًا لَهَا، وَكَلَّمَ نَزَلَ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ أَمْرَهُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِكِتَابَتِهِ مَبَالِغَةً فِي تَسْجِيلِهِ وَزِيَادَةً فِي التَّوَثُّيقِ وَالضَّبْطِ وَالْإِحْتِيَاظِ لِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى، حَتَّى تُظَاهِرَ الْكِتَابَةُ الْحَفْظَ وَيُعَاضِدُ النَّقْشَ اللَّفْظَ وَكَانَ هَؤُلَاءِ الْكُتَّابُ مِنْ خَيْرَةِ الصَّحَابَةِ.

وَكَانَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ يَدُلُّهُمْ عَلَى مَوْضِعِ الْمَكْتُوبِ مِنْ سُورَتِهِ فَيَكْتُبُونَهُ فِيمَا يَسْتَهْلُ عَلَيْهِمْ مِنَ الْعَسْبِ (جَرِيدِ النَّخْلِ) وَاللِّخَافِ (الْحِجَارَةِ الرَّقِيقَةِ) وَقَطَعَ الْأَدِيمَ

Yahyâ kâtibi

صلى الله عليه وسلم سُؤَالُ النَّبِيِّ

وَكِتَابُهُ وَرِسَالَتُهُ

وهي الرسائل التي حملها رسل النبي - صلى الله عليه وسلم - أولئك السفراء الكرام الذين بلغوا رسائل النبي في اخلاص وأمانة ودراية وحكمة واقناع وكانت هذه الرسائل النبوية الشريفة طليعة الدعوة الإسلامية الباهرة التي سرعان ما ملأت أرجاء الدنيا ، وكتبت للإسلام النصر المؤزر والفتح المبين ولقد رأيت أن أكتب للشباب هذه الرسالة عن كتب النبي - صلى الله عليه وسلم - وكتابه وديوانه حتى يقفوا ولو بصورة سريعة مختصرة على قبس من ذلك النور المحمدي الباهر الذي أنعم الله به على هذا الوجود . وبالفرض سعادتنا نحن الذين ننعم ونمرح في هذا النور المحمدي الشريف .
فإليك ياسيدي يارسول الله أقدم في تواضع وخشيه وخشوع هذه الصفحات ، يشفع لى فيه

بسم الله الرحمن الرحيم ، وصلى الله وسلم على سيدنا محمد النبي الكريم ،
وبعد :

فقد نزعت النفس منذ زمن إلى التعاطق بشخصية الرسول الكريم - صلى الله عليه وسلم - ومن ثم أخذت أتتبع عن قرب ذلك النور المحمدي المتألق الفياض الذي أثار الله به ظلمات هذا الكون بتلك الرسالة الخالدة ، وبذلك القرآن العظيم الذي أوحى به الله إلى عبده ورسوله الأمين - صلى الله عليه وسلم - وكان من أهم ما استرعى انتباهي تلك الرسائل الملهمة التي وجهها رسولنا العظيم إلى الملوك والعظماء ، يدعوهم فيها إلى الدخول في الإسلام :

-Vahiy Katibi

وكتابه ورسائله

واستطرد ابن هشام قائلا :
 فبعث رسول الله - صلى الله عليه وسلم -
 اثر ذلك - رسلا من أصحابه ، وكتب معهم كتبا
 الى الملوك يدعوهم الى الاسلام :
 فبعث دحية بن خليفة الكلبي الى قيصر ملك
 الروم •
 وبعث عبد الله بن حذافة السهمي الى
 كسرى ملك فارس •
 وبعث عمرو بن أمية الضمري الى النجاشي
 ملك الحبشة •
 وبعث حاطب ابن أبي بلتعة الى المقوقس
 ملك الاسكندرية •
 وبعث عمرو بن العاص السهمي الى جيفر ،
 وعياذ ابني الجندى الى الازديين ملكي عمان
 وبعث سليط بن عمرو الى تمامة بن آثال
 وهوذة بن علي ملكي اليمامة •
 وبعث العلاء بن الحضرمي الى المنذر بن
 ساوى العبدي ملك البحرين •
 وبعث شجاع بن وهب الاسدي الى الحارث

قال ابن هشام - في سيرة النبي
 - صلى الله عليه وسلم - :
 حدثني من اثق به عن ابي بكر الهنلي
 قال :
 بلغني ان رسول الله - صلى الله عليه
 وسلم - خرج على أصحابه ذات يوم
 بعد عمرته التي صد عنها يوم الحديبية ،
 فقال :
 « ايها الناس ، ان الله قد بعثني
 رحمة وكافة فلا تختلفوا علي كما اختلف
 الحواريون على عيسى بن مريم ، فقال
 أصحابه :

وكيف اختلف الحواريون يا رسول الله ؟
 قال : « دعاهم الى الذي دعوتكم اليه » •
 فأما من بعثه مبعثا قريبا فرضى وسلم •
 وأما من بعثه مبعثا بعيدا فكره وجهه وتناقل
 فشكا ذلك عيسى الى الله ، فأصبح المتناقلون
 وكل واحد منهم يتكلم لفة الأمة التي بعث
 اليها •

السفر والصلوة

عليه الصلاة والسلام - وكتابه

الحضارة بالطابع المحمدى العظيم في بضع

سنين •

أول السفراء

عمرو بن أمية الضمري

وكان أول سفرائه - عليه الصلاة
والسلام - عمرو بن أمية الضمري ، وقد
سبق أن أوردنا أنه أرسل الى النجاشي ملك
الحبشة الذي استجاب لدعوة الاسلام •

السفير دحية الكلبي

ثم بعث - عليه الصلاة والسلام - دحية
ابن خليفة الكلبي الى قيصر كما قدمنا • وكان
شابا جميل الصورة والخلق ، الى درجة جعلت
الناس يروون عنه القصص والأساطير وذلك
لفرط جماله !

وقيل : ان النبي ذكر في بعض أحاديثه
الشريفة أن دحية كان قريب الشبه بالصورة
التي كان يبدو عليها جبريل كلما ظهر للنبي
الكريم •

- ٤ -

في ثنايا حديثنا عن رسائله - عليه
الصلاة والسلام - ذكرنا بعض أسماء
رسله أو سفرائه وقد كان - عليه
الصلاة والسلام - يختارهم بنفسه من
بين صحابته الأقربين •

وكانوا جميعا من الشباب المؤمنين
الذين يكتفيهم شرفا وفخارا ان يكونوا
من صنع النبي الأعظم - عليه الصلاة
والسلام - •

كانوا يتحلون بالسجايا الكريمة والخصال
الشريفة وجمال الصورة ونقاء السريرة •
فضلا عن توقد الذكاء واللامحية الشفافة
والبديهة الحاضرة والحجة الباهرة •
ولا غرو فهم يمثلون ذلك الرعيل الأول من تلك
المدرسة الانهية العظمى التي غزت الدنيا بأسرها
في أعوام معدودات • وحقت النصر المبين
لدين الله القويم الذي انتشر في الآفاق وغير
وجه الدنيا بأسرها ، وكتب التاريخ البشري
من جديد كتابة أذهلت العالم • وطبعت

B-Birden Fazla Şehrin Faziletinden Bahseden Rivâyetler şeklinde isimlendirdiğimizi iki ana başlık altında topladık. Ve her başlık içerisinde bulunan bulduğumuz bazı rivâyetleri isnad ve metin yönleriyle değerlendirmeye çalıştık.

Üçüncü Bölüm: Bu bölümde de şehirlerin fazileti ile ilgili rivâyetlerde kullanılan ortak motifleri tespit ederek;

A-Medheden Rivâyetlerde Kullanılan Motifler

B-Zemmeden Rivâyetlerde Kullanılan Motifler

C- Diğer Motifler ve Fetih Hadisi,

Şeklinde üç başlık halinde ele alarak; "Fetih Hadisi" diye bilinen ve İstanbul'un mutlaka fethedileceğini haber veren hadisinin de değerlendirilmesini sunduk.

Araştırmamızın özeti mahiyetinde olan "sonuç" bölümünde ise çalışmamızda vardığımız sonucu maddelemeye çalıştık.

Araştırmada faydalandığımız kaynakları da eserimizin sonundaki "bibliyografya" bölümünde gösterdik.

Kelkit, Ömer Arif: "Kur'an'da Tezkiye", Yüksek Lisans Tezi, (Danışman: Doç. Dr. Şevki Saka), VI-88 s.

İslâm, bir güzel ahlaklar manzumesidir. Fert ve toplum olarak müntesiplerini vahyin ışığında aydınlatarak sağlam karakterli ve yüksek şahsiyetli kişiler olarak ahlakın doruğuna ulaşmak ister. Yüce Allah bu yüksek karakterlerin yetişmesi için örnek ve numune teşkil etmesi amacıyla bir de, ahlakı Kur'an olan, insanlara Allah'ın âyetlerini okuyan, onları kötülüklerden arındıran, kitabı talim edip insanlara bilmediklerini öğreten tebliğ görevini adanmış, müminlere karşı şefkatli ve yüksek ahlaka sahip olan bir peygamber göndermiştir.

Kur'an-ı Kerim, insanın ferdi, iktisadi, sosyal ve zihni tüm münasebetlerine bir ölçü getirerek aşırılıklardan uzak, orta bir ümmet anlayışını getirmiş, sakınılması gereken kötü anlayış ve fiillerden uzak durulmasını istemiştir. Kur'an, hatalı düşünce ve anlayışlardan zihni arındırarak akl-ı selime ulaşmayı hedef göstermiş, akl-ı selim ile de tefekkür ve tedebbür ile meşgul Allah'ın yüceliğini, kudretini kavrayarak kulluk bilincine ulaşmasını istemiştir.

Kur'an'ın tezkiyeyi amaçladığı diğer bir konu da insanın itikadi yapısının şirk, küfür ve nifak kirlerinden arındırılmasıdır. Zira itikadında bozukluk olan

bir insanın ameli de fesada uğramış olur. Ahiret saadetini kazanmanın olmazsa olmaz şartı sağlam bir imana sahip olmaktır. İtikattaki bozukluk temelde yapılan bir hatadır ki, bunun üzerine bina yükseltilemez.

Diğer bir husus da insanın ahlaki yapısının tezkiyesidir. Ahlakın tezkiyesinin yapılabilmesi için nefis ve özelliklerinin iyi tanınması, insanın zaaf noktalarının bilinerek Kur'an'ın bu hastalıklar için verdiği reçetenin kullanılması gerekmektedir. İnsan fert olarak ahlaki yapısını düzeltmezse toplum da bozulmuş olur. Toplum da kendini düzeltmediği müddetçe yüce Allah o toplumu düzeltmez.

Neslin korunması, toplumu oluşturan ve toplumun bir nüvesi sayılan aile yapısının da dejenerasyondan korunması, neslin nikah mahsulü, sağlam bir nesil olması sağlanmalıdır. Aile kurumunun yıkılıp, evlilik müessesesinin rafa kaldırıldığı toplumlar büyük bir ahlaki çöküntüye uğrayarak kendi iplerini kendileri çekmiş olurlar. Kur'an, bu duruma engel olabilmek için evlilik dışı ilişkileri yasaklamış ve hatta bir erkeğin yabancı bir kadına, bir kadının da yabancı bir erkeğe bakmamasını gözünü haramdan sakındırmasını istemiştir.

Yine Kur'an, insanın dünya malına dalarak asil gayeden uzaklaşmamasını ister. Malı kazanırken helal ve temiz yollardan kazanılmasını, harcarken de içinde fakirin hakkı olan zekâtı ayırarak gerekli yerlere vermesini, mal kazanmak için yaptığı ticaretin kendisini Allah'ın zikrinden alıkoymamasını ister.

Kur'an, temiz toplumu insanın zihninden başlayarak gönline, oradan da fiillerine uzanarak oluşturmaya çalışır. İnsan bu temizlenme ve arınmayla hem sevap kazanmış hem de toplumsal yapıyı güzelleştirerek erdemli bir toplum oluşturmuş olur.

Memmedzade Elçin: "Vahiy Kâtipliği ve Hz. Peygamber'in Vahiy Kâtipleri", Yüksek Lisans Tezi, (Danışman: Doç. Dr. Ömer Özsoy), VII-108 s.

Kur'an-ı Kerim'in yazı ile tespit edilerek toplanması üç aşamada tamamlanmıştır. Bunlardan birincisi safha Hz. Peygamber'in sağlığında, diğer iki merhale ise, yüce Peygamber'in vefatından sonra gerçekleştirilmiştir.

Birinci safha, bizzat Hz. Peygamber tarafından gerçekleştirilmiştir. Başka bir ifadeyle, yüce Peygamber vefat ettiği zaman, Kur'an-ın tamamı yazılmış durumda idi. İkinci aşamada, henüz Peygamber (s.a.s) hayatta iken yazı ile tespit edilmiş, fakat dağıntık halde olan âyetler Hz. İbû Bekir'in hilâfeti zamanında bir arada (mushaf) toplanmıştır. Üçüncü merhale, Hz. Osman'ın

سورة

M. 10

السَّفَارَاتُ فِي الرَّسَائِلِ النَّبَوِيَّةِ

كِتَابُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَوَادِّهِمْ

الْكِتَابِيَّةُ

- Elci
- Vahiy Kâtibi
- Hz. Muhammed (SAU)
- Mektup
- Hat

مؤيد خطاب
المجمع العلمي العراقي

مختصر

النبي الكريم محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب عليه أفضل الصلاة وأزكى السلام رسول الله ، نبي أمي يقرأ ولا يكتب . قال تعالى : (الذين يتبعون الرسول النبي الأمي) (١) ، وقال تعالى : (فآمنوا بالله ورسوله النبي الأمي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون) (٢) . وجاء في تفسير (الأمي) : هو منسوب إلى الأمة الأمية ، التي هي على أصل ولادتها ، لم تعلم الكتابة ولا تقرأها . وقال عبدالله بن المبارك في تفسيره : « كان نبيكم صلى الله عليه وسلم أميا لا يكتب ولا يقرأ ولا يحسب » ، قال تعالى : (وما كنت تتلو من قبله من كتاب ولا تخطه يمينك) (٣) . وروى في الصحيح عن عبدالله بن عمر رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال : « إنا أمة أمية لا نكتب ولا نحسب » (٤) .

(١) الآية الكريمة من سورة الأعراف (٧ : ١٥٧) ، وانظر تفسيرها في تفسير الزمخشري (٥١٢/١) وابن كثير (٥٦٤/٣) - (٥٧٥) والبيهقي (٥٦٤/٣ - ٥٧٠) بهامش ابن كثير ، وتفسير القرطبي (٢٩٤/٧ - ٢٩٩) وتفسير سيد قطب (٥٧/٩ - ١٠٠) .

(٢) الآية الكريمة من سورة الأعراف (٧ : ١٥٨) ، وانظر تفسيرها في تفسير الزمخشري (٥١٢/١) وابن كثير (٥٧٠/٣ - ٥٧٢) والبيهقي (٥٧٠/٣ - ٥٧٢) بهامش ابن كثير ، وتفسير القرطبي (٢٠١/٧ - ٢٠٢) وتفسير سيد قطب (٩ / ٥٧ - ١٠٠) .

(٣) الآية الكريمة من سورة المائدة (٢٩ : ٤٨) .

(٤) تفسير القرطبي (٢٩٨/٧) وانظر تفسير البيهقي (٥٦٥/٣ - ٥٦٦) .

T.C.
ANKARA ÜNİVERSİTESİ
SOSYAL BİLİMLER ENSTİTÜSÜ
TEMEL İSLÂM BİLİMLERİ (TEFSİR) ANABİLİM DALI

**VAHİY KÂTİPLİĞİ VE HZ. PEYGAMBER'İN
VAHİY KÂTİPLERİ**

Yüksek Lisans Tezi

Elçin MEMMEDZADE

DN: 73136

ANKARA - 1999

19 EYLÜL 2000

9 Eylül 2009

İlgili Rivâyetler Yönünden Hz. Peygamber Döneminde Vahyin Yazımı Meselesi

BEKİR TATLI
DR., ÇUKUROVA Ü. İLÂHİYAT FAKÜLTESİ
e-posta: btatli@cu.edu.tr / tatlibekir@yahoo.com

abstract

The Subject of Writing of the Revelation in Period of Prophet Muhammad in Point of Narrations About It. The Quran's Holy Book which had revealed to last prophet Mohammad was protected by various ways like memory, reading and writing on different materials during his life. One of them is writing of the revelations/verses on some materials like paper, parchment, stone, leaf, bone of animals etc. The Prophet has used very much person for this mission. Ubayy Ibn Kaab and Zayd Ibn Sabit are the well-known names about this subject. In this article we have studied narrations about writing of verses of Quran on various materials in period of the Prophet.

key words

Quran, revelation, writing of revelation, narration, Muhammad

Giriş

Kur'ân-ı Kerim'in Rasûlullah'a yaklaşık 23 senede nâzil olduğunu biliyoruz. Hadislerin çoğunlukla mana ile rivâyet edilmesine mukabil, âyetler hem ezberlenerek hem de yazıya geçirilmek suretiyle¹ muhafaza altına alınmış, böylece Kur'ân metni günümüze kadar değişmeden gelebilmiştir. Hz. Peygamber'in çeşitli sebeplerle bazı sahâbeye hadis yazımını yasakladığına dair kaynaklarda bazı rivâyetler vardır. Aynı durum acaba vahiy kâtipliği için de geçerli miydi; yani vahiy malzemesini yazmak isteyen herkese bu izin verilmiş midir yoksa yazması yasaklanan kişiler var mıdır? Bu çalışmada, daha çok ilgili rivâyetlerin durumu ön

¹ Bkz. İbn Atiyye, Ebû Muhammed Abdülhak b. Gâlib el-Endelüsî, *el-Muharreru'l-vecîz ft tefsiri'l-Kitâbi'l-azîz*, I, 49, thk. Abdüsselâm Abdüşşâfi Muhammed, I-VI, Beyrut 1422/2001.